

۱۰

صحنی می بود عباس علمدار میا
جان تناری با کوه باندی بنام میا
کازدی با عالم کورده سوار میا
در عازم طرف

لی اعدا که بر اطور نظر ابایی غافل و دیگر که عباس از آنجا

پایان حسن با کاهنات حسن بنام
در خبر داده وقت فرزند آینهجا
سامنی ضرر علی اسکی اسون خدا
دیگر بنام کبری اس حاکم احامر
فخ کی کوه لظ ائی بنین صد
جانک جای نوی اج غیب میگو

کجا دیگر
و صبر کو سار بنین با سید
و در سادری بنین کو فیکو اولت می که
و سید سیدری بنین سیدری ابن ابی

